

میانجی‌گری و صلح و سازش: راهکارهای جایگزین حل اختلاف با رویکرد فقهی – قضایی و مقایسه تطبیقی ایران و سایر کشورها

مهدیار سالمیان^۱

۱ گروه علوم قضایی، دانشکده حقوق و علوم قضایی، دانشگاه علوم قضایی و اداری تهران، تهران، ایران

چکیده. این مقاله به بررسی مفاهیم میانجی‌گری، صلح و سازش در حقوق و فقه اسلامی می‌پردازد. میانجی‌گری به عنوان یک روش جایگزین حل اختلاف معرفی می‌شود که در آن یک شخص ثالث بی‌طرف، از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین، به آنها کمک می‌کند تا به راه‌حلی برای اختلافات خود برسند. این روش در مقایسه با روش‌های سنتی دادرسی مزایایی چون هزینه کمتر، محرمانه‌بودن و صرفه‌جویی در زمان دارد. همچنین، میانجی‌گری می‌تواند به عنوان یک راهکار پیشگیرانه برای اختلافات آینده عمل کند و به تسهیل مذاکرات در قراردادهای کمک کند. در بخش صلح و سازش، متن به تعریف جرم و انواع آن (قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت) می‌پردازد. جرائم قابل‌گذشت، جرائمی هستند که تعقیب آنها به شکایت شاکی خصوصی وابسته است و با گذشت او، تعقیب متوقف می‌شود. در مقابل، جرائم غیرقابل‌گذشت، جرائمی هستند که جنبه عمومی دارند و گذشت شاکی تاثیری در تعقیب آنها ندارد. در ادامه، میانجی‌گری در فقه امامیه با تأکید بر مفهوم “اصلاح ذات‌البین” و “شفاعت” بررسی می‌شود. در فقه اسلامی، میانجی‌گری بیشتر در قالب شفاعت مطرح شده است، به این معنا که شخص ثالث برای ایجاد صلح و سازش بین طرفین تلاش می‌کند. با این حال، در حدود (مجازات‌های تعیین‌شده در شرع)، میانجی‌گری به شکلی که یک طرف آن حاکم باشد، ممنوع است. در نهایت، مقاله به تفاوت‌های میانجی‌گری و سازش پرداخته و این مفاهیم را از منظر حقوق آلمان بررسی می‌نماید. هرچند این دو مفهوم شباهت‌هایی دارند، اما در جزئیات تفاوت‌هایی نیز دارند. برای مثال، نقش سازش‌گر ممکن است فعال‌تر از میانجی‌گر باشد. به‌طور کلی، متن بر اهمیت میانجی‌گری و صلح در حل اختلافات و نقش آنها در کاهش تنش‌های اجتماعی و تحکیم روابط تأکید می‌کند. قرآن و روایات نیز بر اهمیت تلاش برای ایجاد صلح و سازش بین افراد تأکید دارند.

کلید واژه‌ها: میانجی‌گری، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی آلمان، قانون کیفری، تعاون، حق اولویت.

Mediation, Peace, and Reconciliation: Alternative Dispute Resolution Approaches with a Jurisprudential and Judicial Perspective, and a Comparative Study of Iran and Germany

Abstract

This article examines the concepts of mediation, peace, and reconciliation within the framework of Islamic law and jurisprudence. Mediation is introduced as an alternative dispute resolution method in which a neutral third party assists the conflicting parties in reaching a solution through meetings and dialogue. Compared to traditional litigation methods, mediation offers advantages such as lower costs, confidentiality, and time savings. Additionally, mediation can act as a preventative measure for future disputes and facilitate negotiations in contracts. The section on peace and reconciliation defines crime and its types, including offenses that are *pardoned* (forgivable) and those that are *non-pardoned* (non-forgivable). Forgivable crimes are those that depend on the complaint of the private party, and prosecution ceases upon the victim's pardon. In contrast, non-forgivable crimes are public offenses, and the victim's forgiveness does not affect prosecution. The article then examines mediation in Imāmī jurisprudence, with a focus on the concepts of "*islāḥ dhāt al-bayn*" (reconciliation between people) and "*shafā'ah*" (intercession). In Islamic jurisprudence, mediation is most commonly framed as *shafā'ah*, where a third party seeks to create peace and reconciliation between the disputants. However, mediation, in cases where a ruler is involved as one of the parties, is prohibited within the limits of *ḥadd* (prescribed punishments). Finally, the article explores the differences between mediation and reconciliation, examining these concepts from the perspective of German law. While the two concepts share similarities, they also have differences in their practical applications. For instance, the role of a conciliator may be more active than that of a mediator. Overall, the text emphasizes the importance of mediation and peace efforts in resolving conflicts, reducing social tensions, and strengthening relationships. The Qur'an and Islamic narrations also stress the importance of striving for peace and reconciliation among individuals.

Keywords : Mediation, Iranian legal system, German legal system, criminal law, cooperation, right of priority.

تحقیق حاضر به بررسی تطبیقی میانجی‌گری در دو نظام حقوقی ایران و آلمان می‌پردازد. میانجی‌گری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های جایگزین حل اختلاف، در چند دهه اخیر مورد توجه جدی محافل حقوقی و قضایی جهان قرار گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که اصول و اهداف این نهاد در دو نظام یادشده چه جایگاهی دارد و آیا می‌توان از دل این مقایسه به وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی میان آن‌ها دست یافت یا خیر. طرح این پرسش، زمینه را برای فهم بهتر جایگاه میانجی‌گری در ساختارهای حقوقی متفاوت فراهم می‌سازد و به نوعی پل ارتباطی میان نظریه و عمل در حوزه عدالت ترمیمی محسوب می‌شود.

میانجی‌گری در ذات خود پاسخی به کاستی‌های دادرسی رسمی و سنتی است. بسیاری از اختلافات در روند طولانی و پرهزینه دادگاه‌ها نه تنها حل نمی‌شوند، بلکه گاه تشدید می‌گردند. از این رو، نهاد میانجی‌گری با هدف ایجاد فرآیندی سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و همراه با رضایت طرفین به وجود آمد. در این فرآیند، تلاش می‌شود اختلاف‌ها نه صرفاً از منظر حقوقی خشک، بلکه با نگاه انسانی و اجتماعی حل و فصل شوند. یکی از دلایل استقبال گسترده از این شیوه، نیاز به تحقق عدالت فراتر از عدالت رسمی است؛ عدالتی که بتواند ضمن رعایت قانون، کرامت طرفین و محرمانگی موضوع را نیز حفظ نماید.

توجه روزافزون به میانجی‌گری تنها در یک کشور یا نظام حقوقی خاص محدود نمانده است، بلکه نوعی همگرایی جهانی در این زمینه شکل گرفته است. حقوقدانان، قضات و حتی نهادهای بین‌المللی بر این باورند که میانجی‌گری می‌تواند در بسیاری از موارد جایگزینی مؤثر برای دادگاه باشد. این همگرایی نشان‌دهنده آن است که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و حقوقی کشورها، اهداف مشترکی همچون کاهش بار دادگاه‌ها، حل مسالمت‌آمیز اختلافات و تقویت اعتماد اجتماعی در مرکز توجه قرار گرفته‌اند.

در پژوهش حاضر، ابتدا مبانی حقوقی و ساختاری میانجی‌گری در ایران و آلمان به‌طور جداگانه تحلیل می‌شود. در نظام حقوقی ایران، میانجی‌گری هنوز در حال گسترش و تثبیت است و بیشتر در قالب اصلاح ذات‌البین و برخی مقررات آیین دادرسی جلوه گر شده است. در مقابل، آلمان با برخورداری از تجربه‌های گسترده‌تر و قوانین مدون، چارچوب مشخص‌تری برای این نهاد فراهم آورده است. این بررسی تفصیلی امکان درک دقیق‌تری از اصول بنیادین و اهداف موردنظر هر کشور را فراهم می‌آورد.

پس از روشن شدن اصول و اهداف در هر دو نظام، مقایسه تطبیقی میان آن‌ها صورت می‌گیرد. این مقایسه نقاط اشتراک مانند تلاش برای حل اختلاف بدون تحمیل حکم قضایی، حفظ روابط اجتماعی میان طرفین و تسهیل روند رسیدگی را آشکار می‌سازد. از سوی دیگر، تفاوت‌هایی همچون میزان دخالت دولت، جایگاه قانونی میانجی و میزان

الزام آوری توافقی‌ها نیز مشخص می‌شوند. چنین بررسی‌ای کمک می‌کند تا بتوان نقاط ضعف و قوت هر نظام را بهتر شناخت و زمینه انتقال تجارب موفق میان دو کشور را فراهم ساخت.

نتیجه این تحقیق آن است که شناخت دقیق‌تر اصول و اهداف میانجی‌گری می‌تواند تأثیر بسزایی در گسترش فرهنگ صلح و سازش در جامعه داشته باشد. برای حقوق‌دانان، قضات و وکلا، این آگاهی به معنای استفاده کارآمدتر از میانجی‌گری در کنار دادرسی رسمی است. همچنین برای عموم مردم، آشنایی با این روش راهی برای دستیابی به راه‌حل‌های سریع‌تر و مؤثرتر در حل اختلافات محسوب می‌شود. بدین ترتیب، مطالعه تطبیقی میانجی‌گری در ایران و آلمان نه تنها پاسخی به پرسش اصلی تحقیق می‌دهد، بلکه ابزاری برای ارتقای عدالت اجتماعی و تقویت سازوکارهای حل مسالمت‌آمیز اختلافات در سطح ملی و بین‌المللی فراهم می‌سازد.

مفهوم شناسی

برای آشنایی با مفهوم صلح و سازش، در ابتدا باید به بیان مفهوم جرم و انواع آن پرداخت

مفهوم جرم

جرم یعنی عملی که ترک یا انجام آن از نظر قانون قابل مجازات باشد و پس از ارتکاب، موجب برهم زدن نظم اجتماعی شود. جرائم در یک دسته بندی عمده به دو نوع قابل گذشت و غیرقابل گذشت تقسیم می‌شوند. جرائم قابل گذشت به جرائمی گفته می‌شود که قانونگذار به لحاظ رعایت مصالح اجتماعی یا خانوادگی جنبه خصوصی آنها را بر جنبه عمومی شان برتری داده است و تعقیب آنها موکول به شکایت شاکی است. حتی پس از اعلام شکایت نیز شاکی حق دارد از تعقیب متهم صرف نظر کند. بنابراین با اعلام گذشت او، تعقیب متهم متوقف خواهد شد. جرائمی قابل گذشت به شمار می‌روند. برعکس، در جرائم غیرقابل گذشت اعلام شکایت یا گذشت شاکی تأثیری در امر تعقیب ندارد و نماینده جامعه (دادستان) مکلف است به محض اطلاع، متهم را تحت تعقیب قرار دهد. البته باید توجه داشت که در جرائم غیرقابل گذشت اعلام رضایت شاکی در اخذ تصمیم نهایی دادگاه درباره متهم، با رعایت شرایطی که به آنها خواهیم پرداخت موثر خواهد بود. از جمله این جرائم عبارتند از: شرب خمر، کلاهبرداری، قتل عمدی، سرقت، مزاحمت تلفنی و ...

مفهوم صلح

مفهوم صلح به معنای رایج آن یعنی، فقدان جنگ. صلح در لغت به معنای سلم، دوستی، آشتی، سازش و مدارا به کار می‌رود و در برابر جنگ و دشمنی است و توافق گروهی با یکدیگر را صلح می‌نامند. مفهوم صلح در جهان امروز، گسترش یافته و با تفکرهای شرق آسیایی و بعدها تفکرات مسیحی که صلح دورنی را معرفی کرده اند، آمیخته شده

است. در این مفهوم صلح شرایطی آرام، بی دغدغه و خالی از کشمکش و ستیز است. صلح یک مفهوم مطلق نیست و میتواند بر اساس جهان بینیهای مختلف دینی و فرهنگی، تعریف متفاوتی داشته باشد

مفهوم شیوه های جایگزین حل اختلاف

شیوه های جایگزین یا غیرقضایی حل و فصل اختلاف که اختصاراً (آی.دی.آر) نامیده می شود، به همه روش هایی اطلاق می شود که حل و فصل اختلاف در خارج از دادگاه صورت می گیرد. در این شیوه ها که از آنها به (عدالت خصوصی) نیز تعبیر شده است اختلافات به وسیله شخص یا اشخاص ثالثی که معمولاً به وسیله طرفین اختلاف انتخاب می شوند و مطابق با روش و آیین رسیدگی مورد توافق طرفین حل و فصل می شود. هر چند استفاده از روش های غیررسمی حل اختلاف و به کارگیری داور و میانجی و روش کدخدا منشی و سازش برای حل نزاع ها حتی پیش از شکل گیری دولت و سازمان قضایی امری معمول و متداول بوده است و سابقه و قدمت بیشتری از شیوه رسمی و دادگاهی حل اختلاف دارد. اما استفاده از شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف به گونه ای که دارای قواعد و مقررات مشخص باشد و در چارچوب مؤسسات خاصی مورد ترویج و تشویق قرار گرفته و به عنوان جایگزین شیوه دادگاهی و رسمی حل اختلاف مطرح باشد و در کل آنچه امروزه به نام (آی.دی.آر) می شناسیم چند دهه ای (از دهه ۱۹۷۰ به بعد) است، که مرسوم شده و انتخاب آن به عنوان روش حل اختلاف روز به روز طرفداران بیشتری پیدا می کند

اقسام شیوه های جایگزین حل اختلاف

در کنار مزایای متعددی که استفاده از شیوه های غیر دادگاهی حل و فصل اختلاف دربردارد تنوع شیوه های حل و فصل اختلاف نیز این امکان را برای طرفین اختلاف فراهم میسازد که از میان شیوه های مختلف (آی.دی.آر) شیوه ای متناسب جهت حل و فصل اختلاف خود و گاه نیز پیشگیری از اختلاف انتخاب نمایند. (آی.دی.آر) روشهای متعددی را شامل می شود که میانجیگری و سازش به عنوان ۲ مورد از مهم ترین آن ها و شاکله بحث ما به اختصار معرفی می گردد

میانجیگری: در اصطلاح و به عنوان یکی از شیوه های (آی.دی.آر) میانجی گری روشی است که به موجب آن شخص ثالث بی طرف به عنوان میانجی از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین و بحث در خصوص موضوع مورد اختلاف و همه راه حل های احتمالی که برای حل اختلاف متصور است حل و فصل اختلاف را تسهیل می کند. در میانجیگری، اختلافات در محیطی دوستانه و توأم با همکاری و همفکری و با دید حل و فصل اختلاف مورد بحث قرار می گیرد و میانجیگری با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و پس از بررسی راه حل های ممکن با رعایت حقوق منافع دو طرف راه حلی مناسب را

پیشنهاد می کند. میانجیگری از شیوه های پر کاربرد (آی.دی.آر) محسوب می شود و همانند داوری و سایر شیوه های (آی.دی.آر) ارجاع اختلاف به میانجیگری و شروع کار میانجی براساس توافق طرفین می باشد. هر چند که همانند داوری امروزه از میانجیگری اجباری یا الزامی نیز جهت حل اختلاف صحبت به میان آورده می شود که طرفین باید پیش از مراجعه به دادگاه در پاره ای از اختلافات ابتدا به میانجیگری رجوع نموده و در صورت عدم حصول نتیجه به دادگاه مراجعه نمایند. تفاوت روشن میانجیگری با داوری این است که برخلاف داوری که در آن رأی داور الزام آور است و همانند رأی دادگاه بدون رضایت یکی از طرفین (محکوم علیه) نیز به موقع اجرا گذاشته می شود نظر میانجیگر برای طرفین اختلاف الزام آور نیست و طرفین می توانند نظر میانجیگر را رد نمایند و نظر پیشنهادی میانجیگر تنها با توافق و رضایت طرفین قابل اجرا می باشد. به همین دلیل میانجیگر پس از شنیدن و ارزیابی دیدگاه ها و ادعاهای طرفین و تشکیل جلسات و مذاکره با طرفین نهایتاً راه حلی را پیشنهاد می کند که برای هر دو طرف قابل پذیرش باشد. میانجیگری نیز مانند داوری الزامی نیست که در چارچوب یک مؤسسه صورت گیرد اما اغلب میانجیگری ها در چارچوب مؤسسات خاصی که در زمینه میانجیگری فعالیت می کنند و مطابق با مقررات مؤسسه صورت می گیرد.

سازش: سازش همانند میانجیگری روشی است با مصاحبه که در آن با گفتگوهای سازشگر و طرفین، اختلافات حل و فصل می شود. سازشگر نیز همانند میانجیگر با طرفین در خصوص موضوع مورد اختلاف گفتگو می کند و دیدگاههای آنها را به هم نزدیک کرده و در صورت تمایل طرفین طرح سازش یا سازشنامه را تنظیم مینماید. هر چند محققان بین میانجیگری و سازش تمایز قائل نشده اند اما هیچگونه اجماعی در خصوص تعریف دقیق این دو شیوه و تمایز بین آنها وجود ندارد. برای مثال حقوقدانان کانادایی سازش را شیوه ای از حل و فصل اختلاف می دانند که طرفین اختلاف در یک اتاق حضور نداشته و سازشگر با هر یک از طرفین به طور جداگانه تماس می گیرد و در اصطلاح از (میانجی گری رفت و برگشت) استفاده می کند در حالی که در میانجی گری طرفین به طور رودررو با هم مذاکره می کنند. معیار تمایز یاد شده دقیق و گویا نیست زیرا در میانجی گری ممکن است میانجیگر به طور جداگانه با طرفین دیدار و گفتگو نماید و برعکس ممکن است طرفین سازش به طور رودررو با هم مذاکره نمایند. بعضی دیگر فرق سازش و میانجی گری را در این دانسته اند که نقش سازشگر فعالتر از نقش میانجی است و باید پس از انجام مذاکرات طرح سازش یا سازشنامه را تنظیم نماید. واقعیت این است که میانجی گری و سازش تفاوت اساسی با یکدیگر ندارند و نتیجه کار میانجی گری میتواند به سازش بین طرفین منجر شود. در سازش با توجه به اینکه راه حل خوشایند هر دو طرف، اساس سازشنامه را تشکیل می دهند عدالت به طور واقعی تر و ملموس تر اجرا می شود. سازش به عنوان یکی از شیوه های حل و فصل اختلاف در کشورهای خاور دور مثل چین و ژاپن و کشورهای آفریقایی نقش و اهمیت زیادی دارد به گونه ای که قسمت وسیعی از اختلافات از طریق سازش حل و فصل می شود

میانجیگری در فقه امامیه

قرآن کریم میانجی‌گری را تحت عنوان اصلاح ذات البین یاد کرده و در آیه‌ی اول سوره انفال می‌فرماید: «و اصلحوا ذات بینکم»؛ به این معنا که خصومت‌ها میان مردم را آشتی دهید. این آموزه نشان‌دهنده اهمیت صلح و سازش در امور کیفری است و زمینه بررسی میانجی‌گری کیفری در جرائم مختلف را فراهم می‌کند (ستانکزی، بی‌تا).

در فقه امامیه، نهاد شفاعت نزدیک‌ترین نمونه به میانجی‌گری در حدود است. شفاعت به معنای میانجی‌گری نزد حاکم برای نفع مجرم است و الزامی برای مشارکت بزه‌دیده ندارد. در این نوع میانجی‌گری، سه طرف وجود دارد: متهم، حاکم و میانجی، و نتیجه آن عفو مجرم توسط حاکم است، نه لزوماً صلح با بزه‌دیده (ساداتی، بی‌تا).

فقها شفاعت را در قالب تلاش برای ایجاد صلح می‌دانند و قرآن نیز بر شفاعت در امور خیر تأکید کرده است: «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا» (نساء: ۳۱). همچنین احادیث پیامبر بر اهمیت شفاعت برای نیل به پاداش و ایجاد صلح تأکید دارند (آقاجری و زمان‌زاده بهبهانی، بی‌تا).

با توجه به اصل اباحه و رویکرد کمینه‌گرایانه اسلام درباره کیفر، توصیه به شفاعت و عفو در حقوق کیفری وجود دارد. هرچند احادیثی از پیامبر نقیض شفاعت در حدود را بیان کرده‌اند، مانند روایت امام باقر و امام صادق که شفاعت در حد را محدود به زمان و شرایط خاص کرده‌اند، این نشان‌دهنده تمایز میان حدود و سایر مجازات‌هاست (حاجی‌پور و رحمان‌پور، ۱۳۹۳).

میانجی‌گری در جرائم حدودی دارای دو معناست: نزد حاکم و نزد شاکی. شفاعت نزد حاکم تنها زمانی جایز است که مجرم توبه کرده باشد و حد هنوز اقامه نشده باشد، یا حد با اقرار ثابت شده و امام اختیار عفو داشته باشد. در حدود ناظر به حق الناس، میانجی‌گری تنها در معنای نزد شاکی قابل اجرا است (ساداتی، بی‌تا).

در قصاص، قرآن افراد را به عفو و گذشت یا دریافت دیه به جای قصاص تشویق کرده است (بقره: ۱۷۳). قصاص حق شخصی بزه‌دیده است و با توبه بزهکار ساقط نمی‌شود؛ بنابراین، میانجی‌گری و شفاعت در جرایم مستوجب قصاص با جنبه خصوصی قابل اعمال است. همچنین امکان سازش و فصل خصومت با توسل به میانجی‌گری و فراهم کردن شرایط مطلوب برای طرفین وجود دارد (آقاجری و زمان‌زاده بهبهانی، بی‌تا).

با این حال، ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری بیان کرده است که جرایم مستوجب قصاص، اعم از قصاص نفس و عضو، قابل ارجاع به میانجی‌گری نیست. این در حالی است که از لحاظ فقهی و اجتماعی، امکان میانجی‌گری در جرائم حق الناس وجود دارد و توصیه‌های مکرر بر این امر تأکید دارند (حاجی‌پور و رحمان‌پور، ۱۳۹۳).

در جرایم تعزیری، تفاوت میان حد و تعزیر اهمیت دارد. بسیاری از تعزیرات به دلیل عدم تعیین مقدار دقیق، امکان اعمال شفاعت دارند. فقها ممنوعیت شفاعت را مقید به زمانی می‌دانند که پرونده به دادگاه ارجاع شده باشد و این محدودیت شامل تعزیرات منصوص شرعی نیز می‌شود (احمدی، ۱۳۹۳).

شفاعت و میانجی‌گری در تعزیرات منصوص شرعی، به دلیل وجود شک در تعیین حد یا تعزیر، امکان‌پذیر است و آثار ارفاقی مانند تخفیف یا تعویق در اجرای مجازات را شامل می‌شود. این رویکرد به اصلاح مرتکب و کاهش آسیب اجتماعی توجه دارد (حبیبی، بی‌تا).

در مواردی که امام یا قاضی اختیار عفو دارد، شفاعت نیز پذیرفته می‌شود و هدف آن تأمین مصالح اجتماعی و اصلاح مرتکب است. اعمال میانجی‌گری باعث می‌شود مجازات متناسب و متعادل اجرا شود و از تجاوز به حدود لازم جلوگیری شود (قویدل جعفری، بی‌تا).

بر اساس لایحه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۲، دادستان یا بازپرس می‌تواند با موافقت شاکی و متهم، پرونده را به نهادهای میانجی‌گری یا شوراهای حل اختلاف ارجاع دهد. این امکان شامل جرائم قابل گذشت و جرائم غیرقابل گذشت است، مشروط بر اینکه گذشت شاکی مؤثر باشد (حاجی‌پور و رحمان‌پور، ۱۳۹۳).

جرائم غیرقابل گذشت نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول دارای بزه دیده خاص هستند، مانند سرقت و خیانت در امانت که گذشت شاکی می‌تواند تخفیف مجازات را سبب شود؛ دسته دوم شامل جرائم عمومی هستند، مانند جرائم علیه امنیت که شاکی خصوصی ندارند و میانجی‌گری در آنها قابل اعمال نیست (دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، بی‌تا).

در متن نهایی قانون آیین دادرسی کیفری، میانجی‌گری در جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۳ که مجازات آنها قابل تعلیق است، پذیرفته شده و در صورت حصول سازش، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. حتی در جرائم غیرقابل گذشت، در صورت جبران خسارت و توافق با شاکی، تعقیب متهم از شش ماه تا دو سال معلق می‌شود (حاجی‌پور و رحمان‌پور، ۱۳۹۳).

اصطلاح تعزیرات منصوص شرعی برای مجازات‌هایی به کار می‌رود که شرع، میزان آن را به طور دقیق تعیین کرده است. در این دسته، سه نظر وجود دارد: حد دانستن با آثار ارفاقی، تعزیر دانستن مصادیق متشابه، و ترکیب هر دو. نظر مرجع، تعزیرات را شامل شفاعت و میانجی‌گری می‌داند (حبیبی، بی‌تا).

شفاعت در تعزیرات باید عدالت کیفری و عدم تبعیض را رعایت کند. عدم رعایت این اصول می تواند سبب نابرابری در اجرای مجازات شود، بنابراین قاضی باید بر اساس مصالح اجتماعی و ارزیابی سودمندی کیفری، میانجی گری را اعمال نماید (احمدی، ۱۳۹۳).

اصل بر جواز شفاعت است و یکی از اهداف آن اصلاح مرتکب و بازگشت وی به جامعه است. میانجی گری کمک می کند مجازات ها متناسب اجرا شوند و از اجرای مجازات های اضافی و نامتناسب جلوگیری شود (حاجی پور و رحمان پور، ۱۳۹۳).

میانجی گری و شفاعت به کاهش پرونده های کیفری و ترمیم روابط اجتماعی کمک می کنند و ضمن حفظ حقوق بزه دیده، امکان اصلاح مرتکب را نیز فراهم می سازند. این رویکرد با آموزه های اسلامی و اصول حقوق کیفری سازگار است (آقاجری و زمان زاده بهبهانی، بی تا).

در احکام قصاص، میانجی گری می تواند باعث توقف دادرسی و بایگانی شدن پرونده شود. حق قصاص مربوط به بزه دیده است و اعمال شفاعت یا میانجی گری با رضایت طرفین موجب سازش و کاهش تنش های اجتماعی می شود (حاجی پور و رحمان پور، ۱۳۹۳).

میانجی گری در فقه امامیه در هر دو معنا، نزد حاکم و نزد شاکی، دارای اثرات عملی است: ۱) توقف دادرسی کیفری، ۲) کاهش مجازات و بازگشت مجرم به جامعه. در حدود ناظر به حق الناس، میانجی گری نزد شاکی قابل اجراست، اما شفاعت در حدود مشروط به اختیار عفو امام است (ساداتی، بی تا).

با توجه به این اصول، میانجی گری در ایران و فقه امامیه به عنوان روشی مؤثر برای صلح، اصلاح مرتکب و کاهش مجازات ها مطرح است و می تواند جایگزینی برای مجازات های سخت و غیرانعطافی پذیر باشد (احمدی، ۱۳۹۳).

میانجی گری کیفری در ایران

پیش از قانونگذاری مدون در ایران، حل اختلافات و دعاوی عمدتاً توسط حاکمان، فقها، مجتهدان و ریش سفیدان انجام می شد. این افراد از سوی حکومت منصوب نبودند و ویژگی مردمی و جامعه مدنی داشتند و مشارکت مردم در این فرآیند داوطلبانه بود. تصمیمات آن ها بر اساس آیین های محلی و احکام شرع اتخاذ می شد و ضمانت اجرایی آن ها بیشتر از طریق نفوذ مذهبی و معنوی بود (آشوری، ۱۳۸۷).

با تدوین قوانین، شیوه های سنتی حل اختلاف به شکل نظام مند وارد قانون شد و تا امروز مورد استفاده قرار می گیرند. نظام کیفری ایران با الگوبرداری از تجربه کشورهای دیگر تلاش کرده است اصول و آیین میانجی گری را در پروسه

کیفری وارد کند. میانجی‌گری از دیرباز در تمامی ملل و فرهنگ‌ها وجود داشته و به عنوان روشی نویدبخش برای حل اختلافات مدنی مطرح است (بوسکی، ۲۰۱۰).

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اسلامی حل اختلاف، اصلاح ذات‌البین است. ذات به معنی خلقت و اساس چیزی و بین به معنی پیوند میان دو شخص است. اصلاح ذات‌البین به معنای زدودن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و تحکیم روابط میان افراد است (بیستونی، ۱۳۸۸).

قاضی تحکیم برگرفته از آموزه‌های فقهی است و در قوانین موضوعه سابقه طولانی ندارد. این قاضی توسط طرفین دعوا انتخاب می‌شود و با مشورت آن‌ها به حل و فصل اختلاف و دریافت حقوق بزه‌دیده کمک می‌کند. این شیوه، بازتابی از سیاست جنایی اسلام بر پایه بازپذیری و مشارکت جامعه است (خویی، ۱۳۹۰).

آیین خون پس در طوایف لر و بختیاری اجرا می‌شود و عمدتاً برای قتل عمد به کار می‌رود. در این آیین، اختلافات از طریق حکمیت و میانجی‌گری حل می‌شوند و هدف آن جلوگیری از گسترش خون‌خواهی و خشونت است (بختیاری، ۱۳۶۳).

آیین فصل به معنای مداخله و ترمیم خسارات به بزه‌دیده است. در اصطلاح حقوقی، فصل شامل احکام سنتی و موروثی حل اختلاف جزایی و حقوقی است که غیرمکتوب و غیرمدون بوده و به منظور جبران خسارات اجرا می‌شود (دانا، ۱۳۸۴).

آیین پتر به معنی پذیرش اشتباه و اظهار ندامت است. در این آیین، متهم یا خطاکار برای جبران اشتباه خود و احترام به مظلوم، به خانه بزه‌دیده می‌رود و خسارات را پرداخت می‌کند و در اکثر موارد بخشیده می‌شود (عشایری و همکاران، ۱۳۹۷).

آیین برأت در استان فارس نوعی پیمان موقت میان دو خانوار است. در شرایط جنگی، خانواده‌ها یا ایل‌ها برای حفظ صلح و همکاری پیمان برأت منعقد می‌کردند و سپس با خیال راحت علیه دشمن می‌جنگیدند (شهبازی، ۱۳۶۶).

آیین خون‌داری در استان فارس به معنای حق مشروع خانواده مقتول برای تلافی است. این حق به نزدیکان درجه اول و در صورت فقدان آن به درجه دوم منتقل می‌شود و تلاش و ستیز تا حصول خون‌نیس ادامه می‌یابد (بهمن‌یگی، ۱۳۸۰).

در ایلام، آیین‌هایی چون گل‌کمک، قسامه و تیر یا تقاص برای همکاری دسته‌جمعی در مسائل روستایی و نزاع‌های جمعی میان اهالی یا قبایل دیگر به کار می‌رود. این آیین‌ها نوعی قرارداد موقت برای حل اختلاف هستند و گاهی مختص مردان و گاهی مختص زنان یا مختلط اجرا می‌شوند (قاسمی و یارمحمد، ۱۳۸۸).

در سال ۱۳۱۲، ماده واحده قانون راجع به امور قضایی و اداری لرستان، نمونه نخستین نظام عدالت مشارکتی را در ایران ایجاد کرد. این قانون دادگاه‌ها را مجاز می‌کرد از روش‌های مصالحه و سازش برای حل اختلافات استفاده کنند و اعتبار آن سه سال بود (عباسی، ۱۳۸۲).

پس از آن، قانونگذار در سال ۱۳۳۲ «لایحه قانونی هیئت حل اختلافات محلی» را به تصویب رساند تا عدالت مشارکتی در سطح محلی اعمال شود و مردم نقش فعالی در حل و فصل دعاوی داشته باشند (عباسی، ۱۳۸۲).

در قالب عدالت مشارکتی عشایری، قانونگذار پیش از انقلاب هیئت‌هایی مرکب از قضات و افراد محلی برای رسیدگی به اختلافات و فیصله دعاوی ایجاد کرد. این هیئت‌ها با استفاده از کدخدا، منشی و قوانین محلی، اختلافات را با رعایت اصول شرعی و عرفی حل می‌کردند (آشوری، ۱۳۸۷).

طرح خانه‌های انصاف برای اولین بار در سال ۱۳۴۱ توسط وزارت دادگستری تهیه شد و در ۱۳۴۲ تصویب شد. هدف آن حل اختلافات مردم روستا بدون نیاز به دولت بود و مشارکت عمومی در قالب شوراهای داوری تقویت شد (محمودی جانکی، ۱۳۸۷).

میانجی‌گری امروز بخشی ضروری و استاندارد در بسیاری از شاخه‌های حقوق، به ویژه حقوق خانواده و کار، است. این روش در حقوق خصوصی کمتر توسعه یافته، اما در حقوق کیفری با استقبال فراوان مواجه شده است (آشوری، ۱۳۸۷).

میانجی‌گری کیفری به واسطه تجربه عملی و تاریخی در جوامع مختلف شکل گرفته و نشان می‌دهد که بزرگان و سران قبیله همواره برای حل اختلافات و جرائم از طریق حکمیت و میانجی‌گری اقدام کرده‌اند (آشوری، ۱۳۸۷).

روش‌های سنتی حل اختلاف با مشارکت مردمی و رضایت طرفین، باعث ایجاد صلح و آرامش اجتماعی می‌شد و نقش میانجی در اصلاح و کاهش تنش‌ها حیاتی بود (آشوری، ۱۳۸۷).

میانجی‌گری در ایران با الگوبرداری از تجارب جهانی، به شکلی نظام‌مند در قوانین کیفری و مدنی وارد شده و شامل اصولی چون رضایت طرفین، مشارکت داوطلبانه و امکان جبران خسارات است (بوسکی، ۲۰۱۰).

این فرآیند باعث شده که میانجی‌گری نه تنها ابزار قانونی بلکه ابزاری معنوی و فرهنگی برای تقویت همبستگی اجتماعی و عدالت مشارکتی باشد و به اصلاح رفتار و کاهش مجازات‌ها کمک کند (بیستونی، ۱۳۸۸).

میانجی‌گری و نهادهای مشابه، مانند قاضی تحکیم و خانه‌های انصاف، با هدف بازپذیری و اصلاح مجرم و ترمیم روابط اجتماعی ایجاد شده‌اند و از خصائص جامعه مدنی و ارزش‌های دینی بهره می‌برند (خویی، ۱۳۹۰).

در نهایت، میانجی‌گری به عنوان روش مسالمت‌آمیز و مشارکتی حل اختلافات در ایران تثبیت شده و با اصول فقهی و قانونی تطابق دارد، به ویژه در پرونده‌های کیفری و تعزیرات که می‌تواند زمینه اصلاح و صلح پایدار را فراهم آورد (آشوری، ۱۳۸۷).

میانجی‌گری در آلمان

تحقیقات تجربی در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که به استثنای برخی قربانیانی که تحت جرائم بسیار شدید قرار گرفته‌اند، بیشتر قربانیان به دنبال غرامت و جبران آسیب‌های وارده هستند تا مجازات شدید مجرم. این امر نشان می‌دهد که نیازهای قربانیان جرائم معمولاً بر خواست انتقام یا مجازات شدید مجرم اولویت دارد و این نیازها در فرآیندهای سنتی قضایی اغلب نادیده گرفته می‌شوند (سیسار، ۱۹۹۵).

با وجود این، بسیاری از دولت‌ها به دلیل مقاصد سیاسی یا حفظ آرامش عمومی، این نیازها را نادیده می‌گیرند و تمرکز خود را بر مجازات مجرمین قرار می‌دهند. در چنین شرایطی، میانجی‌گری می‌تواند خلا موجود بین نیازهای قربانی و الزام قانونی برای مجازات مجرم را پر کند و روشی مؤثر برای بازگرداندن عدالت و کاهش تنش اجتماعی ارائه دهد. در آلمان، میانجی‌گری میان مجرم و قربانی در سال ۱۹۹۴ به حقوق کیفری اطفال و نوجوانان وارد شد. هدف قانونگذار از این اقدام، ارائه یک روش جایگزین قضایی و کاهش دخالت مستقیم دادگاه‌ها بود. این اقدام نشان‌دهنده آن بود که میانجی‌گری می‌تواند به صورت خارج از آیین دادرسی کیفری عمل کند و تمرکز بر مصالح اجتماعی و اصلاح مجرم داشته باشد (کوری، ۲۰۱۳).

حقوق آلمان مبتنی بر نظام حقوق مدنی است و قوانین مکتوب و قطعی نقش بسیار مهمی دارند. در این نظام، قوانین بدون تدوین رسمی و مدون، به سختی قابل اجرا هستند و میانجی‌گری نیز باید در چارچوب قوانین مشخص و با نظارت مراجع قانونی انجام شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میانجی‌گری در اصلاح رفتار مجرمین و حمایت از قربانیان تأثیر مثبت دارد، اما در خصوص مجرمین بزرگسال هنوز محدودیت‌هایی وجود دارد و تمرکز سیستم سنتی بر مجازات شدید است (بریت ویت، ۱۹۸۹).

از اواخر جنگ جهانی دوم، توجه به قربانیان جرائم افزایش یافت و رشته قربانی‌شناسی به عنوان بخشی از جرم‌شناسی شکل گرفت. مطالعات نشان داده‌اند که قربانیان جرائم معمولاً مورد حمایت کافی قرار نمی‌گیرند و میانجی‌گری می‌تواند نقش مؤثری در حمایت از آنان ایفا کند. نخستین طرح‌های میانجی‌گری در اوایل دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و تمرکز اصلی آن بر میانجی‌گری طلاق و میانجی‌گری مجرم-قربانی بود (سیسار، ۱۹۹۵).

این طرح‌ها توسط گروه‌های محدودی از مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، قضات و وکلای اجرا شد و هدف آن ایجاد فضایی برای سازش و توافق دوستانه بود. از اواخر دهه ۱۹۹۰، میانجی‌گری مدنی در آلمان جنبه‌ای سیاسی به خود گرفت و به تلفیقی از روش‌های مختلف تبدیل شد، به گونه‌ای که امروزه تنوع روش‌های میانجی‌گری در این کشور کاملاً مشهود است (بوسکی، ۲۰۱۰).

در آلمان، روش‌های جایگزین حل اختلاف عمدتاً شامل میانجی‌گری و داوری است که داوری بیشتر در اختلافات تجاری بین‌المللی کاربرد دارد. واژه «میانجی‌گری» در زبان آلمانی تا حدی تازه و غیرمعمول است و در گذشته گاهی با واژه مدیتیشن اشتباه گرفته می‌شد. سنت مداخله شخص ثالث در اختلافات در آلمان وجود داشته و به آن Schlichtung گفته می‌شود (بوش و فولجر، ۲۰۰۰).

میانجی‌گری تسهیل‌کننده در اروپا به عنوان فرآیندی مبتنی بر منافع طرفین تعریف می‌شود. میانجی تنها به طرفین کمک می‌کند تا مسائل اختلافی خود را شناسایی و راهکارهای مناسب پیدا کنند و در نهایت به توافق مشترک دست یابند. میانجی وظیفه صدور رأی یا ارزیابی حقوقی ندارد و تمرکز بر توانمندسازی طرفین و یافتن راهکارهای خلاقانه است (بول، ۲۰۰۵).

میانجی‌گری قابل تغییر در آلمان، با هدف ایجاد انسجام اجتماعی و بهبود روابط اجرا می‌شود. این روش بیشتر جنبه فرهنگی و اجتماعی دارد و در جوامع سنتی یا یومی برای کنترل روابط و افزایش همکاری‌های اجتماعی کاربرد دارد. در مقابل، میانجی‌گری تسهیل‌کننده در نظام‌های مدرن، بر حل اختلاف مستقل طرفین متمرکز است و نه بر صدور حکم یا قضاوت قانونی (بول، ۲۰۰۵).

میانجی‌گری در آلمان هرگز به عنوان جایگزین کامل نظام قضایی تلقی نمی‌شود. قانون آیین دادرسی کیفری آلمان، به ویژه ماده ۱۵۵، امکان ارجاع پرونده به میانجی و استفاده از خدمات آن را در هر مرحله از دادرسی فراهم کرده است. دادستان و رئیس دادگاه مختارند در هر زمان پرونده را به میانجی‌گری ارجاع دهند و طرفین می‌توانند با توافق خود در این فرآیند شرکت کنند یا آن را ترک نمایند. میانجی‌گری محرمانه است و مسئولیت نهایی حل اختلاف بر عهده طرفین است (کوچ و لاو، ۱۹۹۶).

نتیجه‌گیری

در ایران، فرآیند رسیدگی به جرایم و شکایات غالباً طولانی و پرهزینه است و این امر گاهی شاکیان را از پیگیری حقوق خود منصرف می‌کند. در این شرایط، میانجی‌گری کیفری به عنوان راهکاری جایگزین و سریع‌تر عمل می‌کند

و امکان احقاق حق با هزینه و زمان کمتر را برای شاکیان فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، شاکی می‌تواند بدون ورود مستقیم به نظام قضایی پرتنش، حقوق خود را دنبال کند و روند پیچیده دادگاه‌ها را دور بزند.

در آلمان، برخلاف ایران، دستگاه قضایی و پلیس وظیفه جمع‌آوری دلایل و مدارک را بر عهده دارند و رسیدگی به جرایم آسان و با هزینه کم انجام می‌شود. با این حال، قانون‌گذار آلمان تصمیم گرفته است که در جرایمی که احتمال دستیابی به توافق توسط میانجی وجود دارد، طرفین را به میانجی‌گری تشویق کند تا از ظرفیت عدالت ترمیمی بهره‌مند شوند.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که در ایران، انگیزه اصلی شاکیان برای استفاده از میانجی‌گری، سهولت و دوری از پیچیدگی‌های قضایی است، در حالی که در آلمان، هدف استفاده از میانجی‌گری بیشتر التیام، ترمیم و عدالت ترمیمی است، به گونه‌ای که طرفین از روند و نتیجه آن رضایت داشته باشند.

با وجود نبود قوانین میانجی‌گری در ایران، این قوانین از دقت و ظرفیت بالاتری نسبت به قوانین آلمان برخوردارند و چارچوب مشخصی برای فرآیند و نقش میانجی تعیین کرده‌اند. قوانین آلمان بیشتر کلی و تجربی هستند و آیین‌نامه اجرایی مشخصی برای آن وجود ندارد، اما این کلی بودن مزیت تعمیم به فرهنگ‌ها و مناطق مختلف را فراهم می‌کند. با توجه به این تفاوت‌ها، می‌توان گفت که در ایران میانجی‌گری به صورت فرهنگی و منطقه‌ای متنوع اجرا می‌شود و استفاده از یک روش واحد در همه مناطق ممکن است با مشکلات عملی و فرهنگی مواجه شود. این تنوع در ایران موجب می‌شود که میانجی‌گری بیشتر به نیازها و شرایط محلی پاسخ دهد.

برای بهبود کارکرد میانجی‌گری در ایران، جداسازی میانجی‌گران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای ضروری است. میانجی‌گران غیرحرفه‌ای می‌توانند در شوراهای حل اختلاف فعالیت کنند، در حالی که میانجی‌گران حرفه‌ای در مؤسسات میانجی‌گری و دفاتر وکلای دادگستری متمرکز شوند. این جداسازی موجب افزایش کیفیت و تخصص میانجی‌گری می‌شود.

تعیین حقوق و مزایای ممتاز برای میانجی‌گران حرفه‌ای اهمیت دارد. برای مثال، آن‌ها نباید به عنوان شاهد در پرونده‌ها استفاده شوند تا استقلال و بی‌طرفی آن‌ها تضمین شود. این اقدام موجب افزایش اعتماد طرفین به فرآیند میانجی‌گری می‌شود.

آموزش میانجی‌گران حرفه‌ای در نهادهای دانشگاهی و ایجاد سرفصل‌های آموزشی در رشته‌های حقوق و مرتبط، موجب می‌شود که نسل جدید حقوق‌دانان و میانجی‌گران با اصول و روش‌های علمی و عملی میانجی‌گری آشنا شوند.

در کنار آن، آموزش میانجی گران غیر حرفه‌ای توسط نهادهای قضایی نیز اهمیت دارد تا آن‌ها بتوانند در رفع اختلاف نقش مؤثری ایفا کنند.

تبلیغات مؤثر برای ترویج نهاد میانجی‌گری و اطلاع‌رسانی درباره مزایای آن، یکی از راهکارهای ضروری است. این اقدام کمک می‌کند تا افراد بیشتر به استفاده از میانجی‌گری ترغیب شوند و از ورود مستقیم به دستگاه قضایی پرهیز کنند و طولانی پرهیز کنند.

آزادسازی دستمزد میانجی گران و امکان توافق طرفین برای تعیین مبلغ نیز می‌تواند انگیزه میانجی گران برای ارائه خدمات حرفه‌ای را افزایش دهد. این اقدام باعث می‌شود که میانجی‌حداکثر توان و امکانات خود را برای حل اختلاف به کار گیرد و طرفین رضایت بیشتری داشته باشند.

برای برخی جرایم سبک و خاص، می‌توان ارجاع اجباری به میانجی‌گری را در نظر گرفت. در این صورت، اگر طرفین اختلاف نتوانند به توافق برسند، پرونده با گواهی میانجی به دستگاه قضایی بازگردانده می‌شود. این شیوه باعث می‌شود که میانجی‌گری به صورت اولیه و پیشگیرانه عمل کند و حجم پرونده‌های دادگاه کاهش یابد.

ایجاد قانون جامع میانجی‌گری برای تمامی حوزه‌ها، شامل جرائم کیفری و دعاوی حقوقی، می‌تواند از چندگانگی روبه میان میانجی گران جلوگیری کند و وحدت روش‌ها و اصول را تضمین نماید. این اقدام باعث افزایش اعتماد عمومی و کاهش سردرگمی افراد خواهد شد.

تشویق به استفاده از میانجی‌گری از طریق صندوق‌های حمایتی برای افرادی که توانایی مالی کمی دارند نیز ضروری است. این صندوق‌ها می‌توانند امکان دسترسی بیشتر به خدمات میانجی‌گری را فراهم کنند و عدالت اجتماعی را تقویت نمایند.

میانجی‌گری باید به عنوان نوعی عدالت ترمیمی نگریسته شود و نه صرفاً ابزاری برای کاهش پرونده‌های ورودی به دادگاه. استفاده از مشوق‌های قانونی، آموزش میانجی گران حرفه‌ای و فراهم کردن ظرفیت آنلاین میانجی‌گری می‌تواند ترغیب افراد به انتخاب این روش را افزایش دهد.

در خصوص جرایم سنگین، مانند قتل عمد، استفاده از میانجی‌گری نیز امکان‌پذیر است، چرا که در جامعه ایرانی بسیاری از این جرایم به صورت سنتی و فرهنگی با میانجی‌گری خاتمه می‌یابند. قانونگذار می‌تواند در این موارد استثنای قانونی قائل شود تا میانجی‌گری برای حل این اختلافات به رسمیت شناخته شود.

در نهایت، لازم است بیانات طرفین اختلاف در صورت عدم تحقق میانجی‌گری، در دادگاه علیه آن‌ها استفاده نشود و سند توافق میان طرفین به عنوان سند لازم‌الاجرا مورد پذیرش قرار گیرد. همچنین، الگوگیری از تجربه آلمان در

استفاده از قضات به عنوان میانجی، می تواند ضمن کاهش هزینه ها و جلوگیری از اطاله دادرسی، اعتماد طرفین را به فرآیند میانجی گری افزایش دهد.

منابع و مآخذ

آقاجری، علی، و زمان زاده بهبهانی، محمد. (بی تا). صلح و سازش با تکیه بر آموزه های میانجی گری کیفری: با نگاهی به آیین نامه اجرایی میانجی گری کیفری.

احمدی، لیلا. (۱۳۹۳). میانجی گری روشی مؤثر در تحقق عدالت ترمیمی. فصلنامه مددکاری اجتماعی.

آشوری، محمد. (۱۳۸۷). آیین دادرسی کیفری (جلد اول). تهران: نشر سمت.

بهمن بیگی، محمد. (۱۳۸۰). عرف و عادات عشایر فارس. تهران: نشر نگاه آذر.

بیستونی، محمد. (۱۳۸۸). تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه). تهران: نشر بیان جوان.

حاجی پور، یوسف، و رحمان پور، امیر. (۱۳۹۳). میانجی گری کیفری با توجه به قانون جدید آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر گستر.

حسینی، سهراب محمد. (۱۳۷۸). نقش میانجی گری در فصل دعاوی و پاسخ دهی به هنجارها. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۵.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۰). ترجمه مبانی تکملة المنهاج (جلد دوم). چاپ ۱. تهران: خرسندی.

حبیبی، رضا. (بی تا). میانجی گری کیفری راهی به سوی کیفرزدایی. اداره زندان.

دفتر امور بین الملل قوه قضائیه. (بی تا). چگونگی صلح و سازش در دعاوی کیفری و مدنی. مجله آنلاین حقوق، سایت وکالت.

السان، محمد. (۱۳۹۱). حقوق تجارت الکترونیک. تهران: نشر سمت، چاپ اول.

قاسمی، مروتی، و یارمحمد، سهراب. (۱۳۸۸). همیاری سنتی ایلامیان. تهران: نشر دانشگاه ایلام.

صادقی، محمد. (۱۳۸۴). مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه های نوین آن. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۸.

صفدری، محمد. (۱۳۴۲). حقوق بین الملل عمومی (جلد ۳). تهران: دانشگاه تهران.

صلحچی، محمدعلی. (۱۳۸۹). حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی. تهران: نشر میزان، چاپ دوم.

عباسی، مصطفی. (۱۳۸۲). افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجی گری کیفری. تهران: نشر دانشور.

عشایری، طاهّا، جهانی دولت آباد، اسماعیل، و عباسی، الهام. (۱۳۹۷). بررسی جامعه شناختی تاریخی سازوکارهای مدیریت نزاع های ایلی-طایفه ای در جوامع روستایی ایران. توسعه اجتماعی، دوره ۱۲.

غلامی، حسین. (۱۳۹۷). عدالت ترمیمی. تهران: نشر سمت.

محمودی جانکی، فیروز. (۱۳۸۷). رسمی سازی عدالت غیررسمی در ایران با تأکید بر زمینه های تاریخی و اجتماعی شکل گیری خانه انصاف و شورای داور. مجله حقوقی و دادگستری، ۶۲.

مصفا، ناصر، و دیگران، زیر نظر جمشید ممتاز. (۱۳۶۵). *مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل*. تهران: مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

میرعباسی، سهراب ب. (۱۳۸۵). *حقوق بین الملل عمومی* (جلد ۲). تهران: نشر میزان.

میرعباسی، سهراب ب.، و سادات میدانی، سجاد حسین. (۱۳۷۸). *دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل* (جلد ۱). تهران: انتشارات جنگل.

نیکبخت، حمیدرضا، و ادیا، علی اصغر. (۱۳۹۶). *اصالح گر و میانجی گر به عنوان جایگزین روش های سنتی حل اختلافات مدنی-تجاری: امکان به کارگیری آن ها در صنعت نفت*. تحقیقات حقوقی، ۷۸.

ساداتی، محمد مهدی. (بی تا). *میانجی گری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران*.

ستانکزی، عبدالرحمن. (بی تا). *صلح از دیدگاه اسلام*.

واعظی، محمد. (۱۳۸۴). *مبانی نظری میانجی گری در مناقشات بین المللی*. مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۲.

Boskey, James, (2010), *Mediation as Practiced in Criminal Law: The Present, the Pitfalls, and the Potential*, Flora Go Harvard Law School. Class of 2012

Boulle L (2005), *Mediation: Principles, Process Practice*, 2nd ed, LexisNex- is Butterworths , 49

Braithwaite, J. (1989), *Crime, shame and reintegration*, cambridge, UK: University Press

Bush RAB and Folger JP(2000), *The Promise of Mediation: Responding to Conflict Through Empowerment and Recognition*, Jossey-Bass, 155

David, R.C. (1980) *Mediation and arbitration as alternatives to prosecution in felony arrest cases: An evaluation of the Brooklyn Dispute Resolution Center*. Vera Institute in coop. with Victim Services Agency.

Dryzek, J.S. and Hunter, S. (1987) *Environmental mediation for international problems*, International Studies Quarterly, 31:1, 87-102.

Kovach K and Love L,(1996), *Evaluative Mediation is an Oxymoron* 14(3) CPR Institute for Dispute Resolution 31

Kury, H. (2013), *The (non-) effect of sanctions - international results empirical investigations*, In: Kury, H., Scherr, A. (Ed.) *to the (non-) effect of sanctions. Tougher penalties - less and less crime? Social problems*

Reiss-Husson, F. and Jolchine, G. (1972) *Purification and properties of a photosynthetic reaction center isolated from various chromatophore fractions of Rhodospseudomonas spheroides Y*. Biochimica et Biophysica Acta (BBA)-Bioenergetics, 256:2, 440-451.

Sessar, K. (1995), *Restitution or punishment, An empirical study on attitudes of the public and the justice system in Hamburg*. Eurocriminology 8

References

‘Abbāsī, Muṣṭafā. (2003 / 1382 SH). *New Horizons of Restorative Justice in Criminal Mediation*. Tehran: Dāneshvar Publishing.

‘Ishā’irī, Ṭāhā, Jihānī Dūlat-Ābād, Ismā‘īl & ,Abbāsī, Ilhām. (2018 / 1397 SH). “A Sociological-Historical Study of Mechanisms for Managing Tribal-Community Conflicts in Rural Iranian Societies”. *Social Development* ,Vol. 12.

Aghājārī, 'Alī & ,Zamānzādah Behbahānī ,Muḥammad. (n.d.) .*Peace and Reconciliation Based on the Teachings of Criminal Mediation: With a View on the Executive Regulations of Criminal Mediation*.

Ahmādī, Lailā. (2014 / 1393 SH). "Mediation as an Effective Method for Achieving Restorative Justice ". *Social Work Quarterly*.

Ashūrī, Muḥammad. (2008 / 1387 SH) .*Criminal Procedure* (Vol. 1). Tehran: SAMT Publishing.

Bahman-Begī, Muḥammad. (2001 / 1380 SH) .*Customs and Traditions of the Fars Tribes* .Tehran: Bonyān Āzar Publishing.

Bīstūnī, Muḥammad. (2009 / 1388 SH) .*Young Tafṣīr* based on *Tafṣīr-e Namūnah* .(Tehran: Bayān Jāvan Publishing.

Boulle, L. (2005) .*Mediation: Principles, Process, Practice* (2nd ed.). LexisNexis Butterworths, p. 4.9

Braithwaite, J. (1989) .*Crime, Shame, and Reintegration* .Cambridge, UK: University Press.

Burton, James .(2010) .*Mediation as Practiced in Criminal Law: The Present, the Pitfalls, and the Potential* .Flora Go, Harvard Law School. Class of 2012.

Bush, RAB & ,Folger, JP .(2000) .*The Promise of Mediation: Responding to Conflict Through Empowerment and Recognition* .Jossey-Bass, p. 155.

David, RC .(1980) .*Mediation and Arbitration as Alternatives to Prosecution in Felony Arrest Cases: An Evaluation of the Brooklyn Dispute Resolution Center* .Vera Institute in cooperation with Victim Services Agency.

Dryzek, JS & ,Hunter, S. (1987). "Environmental Mediation for International Problems ".*International Studies Quarterly*.102-87 ,(1)31 ,

Elsān, Muḥammad. (2012 / 1391 SH) .*Electronic Commerce Law* .Tehran: SAMT Publishing (1st ed.).

Gholāmī, Ḥusayn. (2018 / 1397 SH) .*Restorative Justice* .Tehran: SAMT Publishing.

Ḥabībī, Rezā. (n.d.) .*Criminal Mediation: A Path to Decriminalization* .Prison Administration.

Ḥājī-Pūr, Yūsuf & ,Rahmān-Pūr, Amīr. (2014 / 1393 SH) .*Criminal Mediation in Light of the New Criminal Procedure Law* .Tehran: Gostar Publishing.

Ḥusaynī, Sohrāb Muḥammad. (1999 / 1378 SH). "The Role of Mediation in Resolving Disputes and Responding to Norms ".*Journal of the Faculty of Law and Political Science*.45 ,

International Affairs Department of Judiciary. (n.d.) .*How Peace and Reconciliation Work in Criminal and Civil Disputes* .*Online Legal Journal* ,Law Advocacy Website.

Khu'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (2011 / 1390 SH). *Translation of the Foundations of *Takmīlat al-Minḥāj* (Vol. 2, 1st ed.). Tehran: Khorsandī Publishing.

Kovach, K & ,Love, L. (1996). "Evaluative Mediation is an Oxymoron ".*CPR Institute for Dispute Resolution*.31 ,(3)14 ,

Kury, H. (2013) .*The (Non-) Effect of Sanctions - International Results Empirical Investigations* .In: Kury, H., Scherr, A. (Ed.) *To the (Non-) Effect of Sanctions* .Social Problems.

Mahmūdī Jānī-Kī, Fīrūz. (2008 / 1387 SH) .*Formalizing Informal Justice in Iran with Emphasis on the Historical and Social Context of the Formation of the House of Justice and Arbitration Councils* .*Legal and Judicial Journal*.62 ,

Mīr-‘Abbāsī, Sohrāb B. (2006 / 1385 SH) .*Public International Law* (Vol. 2). Tehran: Mīzān Publishing.

Mīr-‘Abbāsī, Sohrāb B & ,Sādāt Mīdanī, Sajjād Ḥusayn. (1999 / 1378 SH) .*International Court of Justice in Theory and Practice* (Vol. 1). Tehran: Jangal Publishing.

Muṣafā, Nāsir & ,Others, supervised by Jamshīd Mumtāz. (1986 / 1365 SH) .*The Concept of Invasion in International Law* .Tehran: Center for Advanced International Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran.

Nikbakht, Hamīd-Rezā & ,Ādyā, ‘Alī-Asghar. (2017). “Reformist and Mediator as Alternatives to Traditional Methods of Resolving Civil-Commercial Disputes: Their Potential Application in the Oil Industry”.*Legal Research Journal*.78 ,

Qāsimī, Marwatī & ,Yār Muḥammad, Sohrāb. (2009 / 1388 SH) .*Traditional Cooperation of the Ilāmī Tribe* .Tehran: University Press of Ilām.

Reiss-Husson, F & ,Jolchine, G. (1972). “Purification and Properties of a Photosynthetic Reaction Center Isolated from Various Chromatophore Fractions of *Rhodospseudomonas spheroides* Y”.*Biochimica et Biophysica Acta (BBA)-Bioenergetics*.451-440 ,(2)256 ,

Sādātī, Muḥammad-Mahdī. (n.d.) .*Mediation in Imāmī Jurisprudence and Iranian Criminal Law*.

Šādīqī, Muḥammad. (2005 / 1384 SH). "The Concept and Application of Public Order in Judicial and Quasi-Judicial Courts and Its New Manifestations ".*Journal of the Faculty of Law and Political Science*.68 ,

Šāfī, Muḥammad. (1963 / 1342 SH) .*Public International Law* (Vol. 3). Tehran: University of Tehran.

Šalḥchī, Muḥammad-‘Alī. (2009 / 1389 SH) .*Peaceful Resolution of International Disputes* .Tehran: Mīzān Publishing (2nd ed.).

Sessar, K. (1995). “Restitution or Punishment: An Empirical Study on Attitudes of the Public and the Justice System in Hamburg ”.*Eurocriminology*.8 ,

Stānkatzī, ‘Abd al-Raḥmān. (n.d.) .*Peace from an Islamic Perspective*.

Vā‘eẓī, Muḥammad. (2005 / 1384 SH). “Theoretical Foundations of Mediation in International Disputes”.*Journal of Private and Criminal Law Research*.2 ,